

# بحرانهای بانکی: خطری برای اقتصاد آزاد

مقدمه

آزادسازی اقتصادی و فعالیتهای اقتصاد به وجود شبکه بانکی مستقلی نیازمند است که بتواند به کمک آن گردش منابع را به شکل بهینه درآورد. دستیابی به وضعیت بهینه در اقتصادهای در حال گذر کارچندان ساده‌ای نیست و در این راه، بارها وضعی به وجود می‌آید که سیستم بانکی به جای آن که راهگشای فعالیتهای واقعی باشد، خود دچار بحران می‌شود. احتمال بحران زدگی به ویژه در کشورهایی که سیستم بانکی تحت کنترل دولت قرار دارد بیشتر است. عوامل چندی در سیستم بانکی به بروز بحران می‌انجامد.

مقاله حاضر به بررسی عوامل بروز بحران در سیستم بانکی می‌پردازد و نتایج حاصل از این بحران را ارزیابی می‌کند. و در پایان راه‌حلهایی برای تقویت شبکه بانکی ارائه می‌کند.

ناهیده راغی

تنها به دلیل برخورداری از حمایت دولت، قادرند وامهای ارزاقیمت دریافت کنند یا از تسهیلاتی استفاده نمایند که در حالت عادی نمی‌توانند به آن تسهیلات دست یابند.

وامدهی براساس دستور عمل صادر شده از طرف دولت و مقامات غیر پولی در عمل از درجه خودمختاری و استقلال بانکهای کشور می‌کاهد و تلاش بانکها را در جهت بهینه‌سازی مجموعه اعتباراتشان بی اثر و یا کم اثر می‌سازد. وقتی تعدادی از مشتریان بزرگ بانکها را اشخاصی تشکیل می‌دهند که به میل بانک برگزیده نشده‌اند،

## ۱: نارساییهای اقتصادی

نقاط ضعف اقتصادی در بیشتر موارد مهمترین عامل بروز بحران در شبکه بانکی کشور است. این نارساییها می‌تواند به شکلهای زیر ظاهر شود:  
اول: وامدهی به نرخ ترجیحی: ممکن است دولت به دلیل تمایل به اجرای برنامه‌های اقتصادی خود، بخشهایی از اقتصاد را در اولویت قرار دهد و از سیستم بانکی بخواهد وامهای ارزاقیمت در اختیار آن بخشها بگذارد. در مواردی، شرکتهای دولتی،

## عوامل بحران در شبکه بانکی کشور

در حالت کلی مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، قانونی، سیاسی و اداری سبب پیدایش بحران در شبکه بانکی یک کشور می‌شود. در زیر مهمترین این عوامل بررسی می‌شود.

## ۲: نارساییهای مربوط به نظارت بر بانکها

در بررسی بسیاری از مواردی که بانکها با بحران مواجه می‌شوند، مشاهده می‌گردد که با قوانین بازرسی و نظارت بر بانکها بسیار ضعیف است یا آن که همین قوانین بدرستی اجرا نمی‌شود. در نتیجه، ضوابطی مانند کفایت سرمایه، طبقه بندی وامها و منابعی که بانکها باید برای جلوگیری از بحران ذخیره کنند، بدقت ارزیابی نمی‌گردد.

در مواردی، قوانین موجود برای بانکهایی که در داخل کشور ثبت می‌شوند سختگیرانه‌ای ویژه‌ای قائل می‌شود که در مورد بانکهای ثبت شده در خارج از کشور اعمال نمی‌شود. در این گونه موارد، قدرت رقابت بانکهای کشور یکسان نیست و برخی از بانکها در موقعیت رقابتی بهتری قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، دیده شده است که در قانون پولی و بانکی برخی از کشورها، حداقل نسبت سرمایه پرداخت شده به جمع سپرده‌های دیداری و مدت دار برای همه بانکهای کشور یکسان نیست.

در مواردی، تفاوت‌های قانونی بین بانکها از حد ضوابط مختلف برای بانکهای داخلی و خارجی نیز پا فراتر می‌گذارد و بانکهای دولتی و خصوصی را نیز در بر می‌گیرد. به عنوان مثال، چارچوب عملیاتی قانونی بانکهای دولتی تسهیلات به مراتب بیشتری را در اختیار آنها قرار می‌دهد.

نظارت بر جریان وامدهی بانکها و بررسی حسابهای معوق نیز از جمله اقداماتی است که می‌تواند درجه نزدیکی شبکه بانکی را به مرحله بحران نشان دهد. مقامات پولی باید بر چگونگی برخورد بانکها با مطالبات معوقشان از عموم، نظارت داشته باشند.

## ۳: نارساییهای مدیریتی

مدیریت بانکها باید شایستگی و درایت کافی داشته باشد تا بتواند داراییها و بدهیهای بانک را به شکل مطلوب درآورد. نارساییهای مدیریتی ممکن است به شکلهای زیر ظاهر شود:

اول: ارزیابی ناکافی یا نادرست طرحها: یکی از وظایف بانکها این است که از متقاضی وام و اعتبار بخواهند طرح مورد نظرش را به بانک ارائه

ورق بزنید

می‌شود، نرخ بهره‌ای متفاوت با وام دیگری داشته باشد که برای خرید مواد اولیه به همان بخش داده می‌شود. در مواردی نرخ بهره دریافتی بانکها از شرکتهای مختلف به نسبتهای بدهی آن شرکتهای ارتباط داده می‌شود و هر قدر که نسبت بدهی به سرمایه شرکت زیادتر باشد، نرخ بهره وام مدت دار اعطایی بانک، زیادتر خواهد شد.

تمایز بیش از حد انواع نرخهای بهره، حتی در صورت مثبت باقی ماندن کلیه انواع نرخهای بهره واقعی، می‌تواند برای بانکهای کشور بحران آفرین باشد. وقتی نرخهای بهره واقعی منفی شود، احتمال

دلیلی پیش نمی‌آید که بانکها بخواهند در جستجوی مشتریان کوچک تلاش کنند و به فعالیت جدی بپردازند. نکته در خور توجه این است که بانکها هرگز در جریان وامدهی‌های متکی به اولویتهای دولت، تضمینی از دولت در برابر سوخت شدن احتمالی وامها دریافت نمی‌کنند. بنابراین، خطر وامدهی نادرست و در معرض بحران قرار گرفتن بانکها با وجود وامهای اجباری و دستوری افزایش می‌یابد.

بررسی وضع بانکهایی که در بحران گرفتار آمده‌اند نشان می‌دهد که یکی از بزرگترین علل بروز



بروز بحران بانکی افزایش می‌یابد.

انعطاف ناپذیری نرخهای بهره اعطایی به سپرده‌های دریافتی بانکها از مردم نیز ممکن است بانکهای کشور را به مرز بحران بکشاند. یکی از بزرگترین ویژگیهای این قبیل انعطاف ناپذیریها، ناسازگاری بنیادی نرخهای بهره انواع سپرده‌ها با نرخهای بهره انواع اعتبارات است. بارها دیده شده است که نرخهای بهره پرداختی به سپرده‌ها به مراتب از نرخهای ترجیحی دریافتی از وامها و اعتبارات ویژه زیادتر است. در این حالت، بانک از لحاظ مالی دچار مشکل می‌شود زیرا هزینه‌ای که باید از محل سایر وامها تامین شود آن قدر زیاد است که بانکها را وامی دارد منابع باقی مانده‌شان را به فعالیتهای پرخطرتر بکشاند تا شاید بازده مورد نیاز خود را به دست آورند.

بحران، اعطای مبالغ هنگفتی وامهای مختلف به نرخهای ارزان و ترجیحی یا به دستور دولت بوده است.

دوم: انعطاف ناپذیری و پیچیدگی روش محاسبه نرخ بهره. در بسیاری از کشورها انواع کنترلها بر نرخهای بهره اعمال می‌شود و وامهای مختلف با در نظر گرفتن سرسیدهایشان، بهره‌های متفاوتی دارند. تمایز بین نرخهای بهره تنها به سرسیدهای مختلف محدود نمی‌شود و دامنه آن به انواع وامها نیز می‌رسد. به عنوان مثال، ممکن است وامی که برای تأمین تنخواه گردان یک بخش داده

## بحرانهای بانکی: خطری برای اقتصاد آزاد

فراتر رفته است. در چنین حالتی، بانک با بحران مالی روبه رو خواهد شد.

رفتار می شود که با فردی عادی که مرتکب تخلف رانندگی شده است.

### ۴: عدم اطمینان در مورد باز پرداخت بدهیها

در صورتی که کشور در وضعی قرار داشته باشد که صنایع آن ملی شود، یا صنایع ملی آن به بخش خصوصی واگذار گردد، آن گاه احتمال معوق ماندن بدهیهای صنعت به بانکها روبه افزایش می گذارد. به عبارت دیگر، قرار گرفتن در وضعیت گذر و وجود عوامل برونزا می تواند در جریان باز پرداخت اقساط بدهیهای عمومی به بانکها اختلال ایجاد کند و در نهایت به بروز بحران بانکی بینجامد. نوسانات شدید نرخ ارز هم ممکن است عاملی برای بالا بردن احتمال سوخت شدن وامها باشد. در مواردی دیده شده است که بانکهای مرکزی برای جلوگیری از بالا رفتن خطر بحران بانکی صندوقهای ویژه ای برای پوشش دادن به مشتریان بانکها در برابر نوسانات ارزی ایجاد کرده اند.

مصائب طبیعی هم ممکن است عدم اطمینان از باز پرداخت شدن وامها را افزایش دهد. به عنوان مثال، اگر در منطقه ای زلزله حادث شود، به احتمال زیاد، اشخاصی که در آن منطقه از بانکها وام دریافت کرده اند، قادر به پرداخت بدهیهایشان در موعد مقرر نخواهند بود. ممکن است گفته شود که پیش بینی بلاهای طبیعی غیرممکن است. این نکته بدون تردید درست است، اما تنها با تکیه بر پیشبینی ناپذیر بودن این قبیل حوادث، نمی توان احتمال بروز آنها را نادیده گرفت. در هر صورت، سابقه تاریخی بروز بحرانهای طبیعی همیشه می تواند ارزیابیهای معقولتری را موجب شود.

### ۵: فقدان چارچوب قانونی لازم

بررسیها نشان می دهد که شاید در کلیه مواردی که بانکها با بحران مواجه شده اند، چارچوب قانونی فعالیتهای مالی دچار نارساییهای مشهود و بنیادی بوده است. در مواردی، نقل و انتقالات مالی تابع قوانین مدنی بوده است. به عنوان مثال، اگر چکی بیمنحل صادر شود، با صادر کننده چک همان گونه

کند تا آنها بتوانند تا حدودی از امکان باز پرداخت وام اطمینان حاصل کنند. وقتی ارزیابی طرحها بدرستی صورت نگیرد، برآورد سوددهی طرح به واقعیت نخواهد پیوست و امکان برگشت وام کاهش خواهد یافت.

در مسواری از اعطای وام، روابط بیش از ضوابط، ملاک پرداخت و ارزیابی مثبت طرحها می شود. اگر چنین قاعده ای در کشوری برقرار باشد، امکان سوخت شدن وامها و رویارویی شبکه بانکی با بحران، افزایش می یابد.

در برخی از کشورها، بانک مرکزی و مقامات پولی، ضوابط ویژه ای را برای ارزیابی طرحها مطرح می کنند. اگر این ضوابط با واقع بینی معین نشده باشد، سیستم بانکی به ناچار از آن تخلف خواهد کرد. در صورتی که مقررات وضع شده زیاده از حد باریک بینی به کار برد نیز، امکانات مدیریتی از بانکها سلب می شود.

دوم: عدم کفایت مدیریت بانکها در جمع آوری اقساط وامهای اعطایی: حسابداری وام و رسیدگی به نحوه جمع آوری اقساط وامهای اعطایی از جمله اموری است که مدیریت باید بدقت به آن بپردازد. در بسیاری از کشورها، مدیریت بانکها حتی آمار و صولیهای شعبه ها را بدرستی گردآوری نمی کنند. بنابراین هر بانک بدرستی نمی داند که در مجموع، وضعیت جمع آوری و وصول اقساط وامهای پرداختی اش چقدر است.

واگذار کردن موضوعاتی مثل جریان وصولیها به شعب بانکها و یک کاسه نکردن اطلاعات در مراحل اولیه، ممکن است وضعی را به بار آورد که مدیریت بانک به ناگاه متوجه شود حجم مطالبات مشکوک الوصول و سوخت شده اش از حد پذیرفتنی

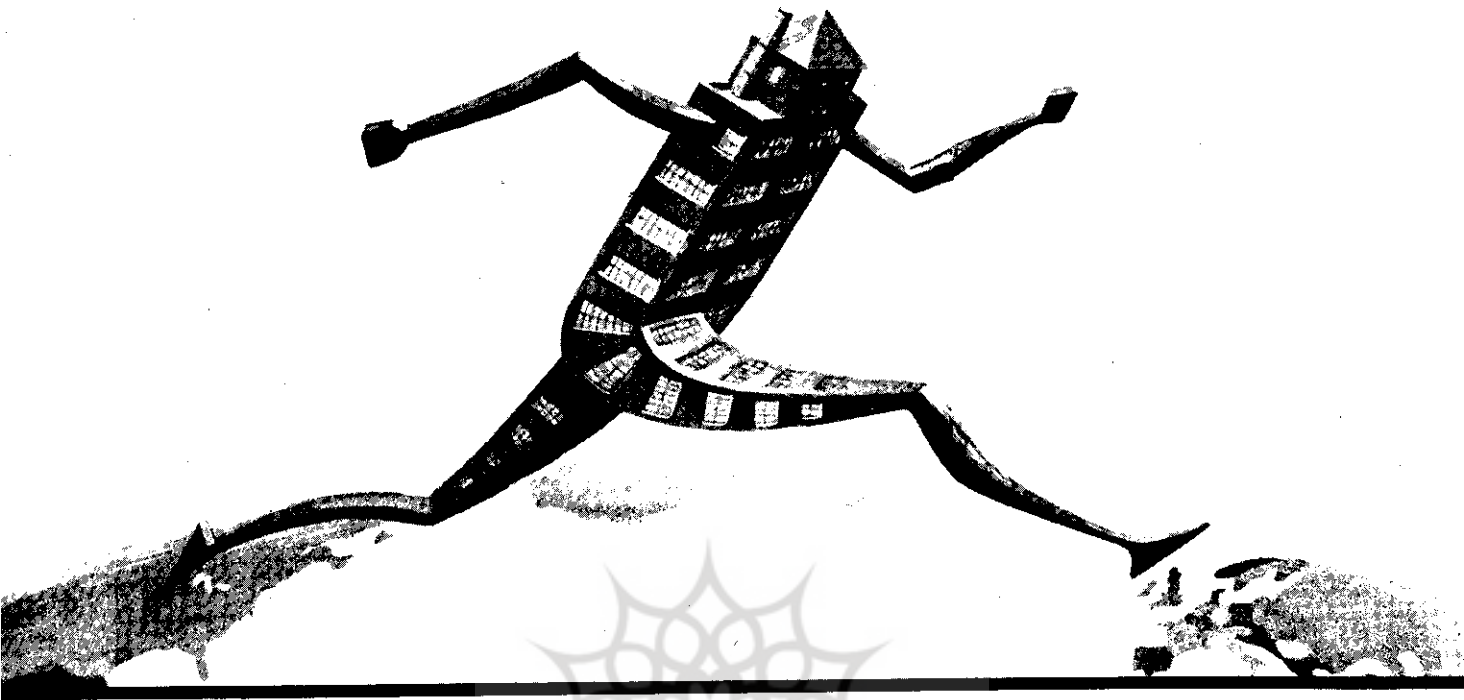
### شرایط کلان اقتصاد و آشفته گی مالی

اگر آشفته گیهای مالی سیستم بانکی بدقت بررسی شود، بسادگی می توان دید که مدتها پیش از بروز بحران، شرایطی که در نهایت منجر به بحران می شود، وجود داشته است. با این حال، فرد از خود می پرسد، پس از چه فاصله زمانی بعد از بروز شرایط، خود بحران ظاهر می شود و چه عواملی در بروز آن دخالت دارد؟ از این نظر است که مطالعه وضعیت اقتصاد از دیدگاه کلان اهمیت می یابد.

نکته ای که در کلیه بحرانهای بانکی دیده می شود، وجود روند تضعیف در ارزش برابری پول ملی کشور است. مدتها پیش از آن که بحران بانکی ظاهر شود، پول کشور دم به دم کم ارزش تر می شود. به این ترتیب کسانی که وام خارجی دریافت کرده اند، هر روز باید مبالغ سنگینتری پول ملی بابت باز پرداخت اصل و بهره بدهیهایشان گردآوری کنند. بار بدهیها بر حسب پول ملی گاهی آن قدر سنگین می شود که بدهکاران را از باز پرداخت بدهیهایشان عاجز می سازد. هر زمان که درصد این قبیل بدهکاران روبه افزایش بگذارد، احتمال بروز بحران بانکی شدت می یابد.

یکی از شرایطی که وجود آن بروز بحران را محتملتر می سازد، اجرای سیاستهای پولی و اعتباری انبساطی است. این وضع بویژه در مورد اقتصادهای در حال گذر در خور توجه است. صاحبان صنعت و دست اندرکاران در کشاورزی و تجارت، به این امید که وضع اقتصادی پس از عبور از دوره گذر روبه بهبود می گذارد، با وام گیری از سیستم بانکی به سرمایه گذاری می پردازند. اگر سیاستهای دوره گذر بیش از حد خوشبینانه باشد، سرخوردگی وام گیرندگان در نهایت با سوخت شدن بدهیها و در معرض بحران قرار گرفتن سیستم بانکی همراه می شود.

در مجموع، شاید نتوان کلیه حالات کلان اقتصادی را که به بروز بحران بانکی کمک می کند طبقه بندی کرد، اما می توان مدعی شد که وقتی سیاستهای کلان اقتصادی در رسیدن به هدفهای معین شده توفیق نیابند، تداوم نابسامانیها می تواند



برای سیستم بانکی بحران آفرین باشد.

## نتایج بحرانهای بانکی

در هر بحران بانکی در اقتصادهای آزاد، مجموعه ای از عوامل دست به دست یکدیگر می دهد و مشکلات مالی پدید می آید. اگر بحران بخوبی کنترل شود، حاصل آن ممکن است وضعی باشد که در آن مردم اطمینانشان را به سیستم بانکی کشور از دست ندهند. در مواردی که بانکهای کشور دولتی باشند، بار تعدیل به طور عام بردوش دولت می افتد. در هر صورت، حاصل بحران بانکی هر چه باشد، هزینه های اقتصادی و اجتماعی آن نباید نادیده انگاشته شود. در زیر بررسی از این هزینه ها بررسی می شود.

اول- تأثیر بحران بانکی بر بودجه: هر قدر تعداد بانکهای دولتی بیشتر باشد، بار بحران بانکی بر بودجه دولت بیشتر خواهد بود، زیرا دولت باید آن قدر امکانات در اختیار این بانکها قرار دهد که آنها بتوانند تعهداتشان را اجرا کنند. به عبارت دیگر، دولت باید سرانجام به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، هزینه ناتوانی سیستم بانکی را در برآورده ساختن

تعهداتش برگردن بگیرد.

دولت مجبور است در هنگام بحران هزینه هر نوع وام و اعتبار ترجیحی را به شکل پرداخت مستقیم از بودجه به سیستم بانکی، بپذیرد. در حالت کلی، تأثیر بحران بانکی بر بودجه کشور تا حد زیادی به ساخت بودجه و درجه وابستگی سازمانی و سیاستی بانکها به دولت بستگی دارد.

دوم- تأثیر بحران بانکی بر قدرت رقابت بانکها: هر قدر درجه آسیب پذیری بانکها در جریان بحران بیشتر باشد، یعنی هر قدر درصد وامهای به بانکها بیشتر باشد، قدرت رقابت آنها کمتر خواهد بود. بانکهایی که در سالهای پیش از بحران توانسته اند سلامت خود را حفظ کنند، در جریان بحران با خطر کمتری روبه رومی شوند. البته این گفته بدان معنی نیست که این گونه بانکها به هیچ وجه در معرض بحران قرار نمی گیرند. در واقع، وقتی بحران بانکی بروز کند، دامنه آن حتی به بانکهایی که ساخت سالمی دارند، کشیده خواهد شد، زیرا رفتار عمومی نسبت به سیستم بانکی در وضعیت بحرانی، تغییر می کند و درجه بی اعتمادی نسبت به آن افزایش می یابد.

سوم- تأثیر بحران بر کنترل پولی: وقتی بحران بانکی بروز می کند، وجوهی که از محل فعالیتهای

سالم سیستم بانکی به بانکها برمی گردد نمی تواند بدرستی به مصارفی برسد که ایجاد تولید می کند. در مواردی، وامدهی اجباری برای حفظ ظاهر و جلوگیری از بروز بحران حاد در جریان پرداخت بدهیهای عموم به سیستم بانکی، ضرورت می یابد. در این چارچوب، کنترل جریان پولی بسیار دشوار می شود. نقش مقامات پولی در هدایت منابع مالی در دوره بحران بانکی بسیار پیچیده است و بارها دیده شده که اثربخشی سیاستها هم به مراتب محدودتر شده است.

چهارم- بحران بانکی و تخصیص منابع: به دلیل ملاحظاتی که در مورد وحشت از سوخت شدن عمومی بدهیها وجود دارد، بانکها هم می کوشند منابع خود را به گونه ای تخصیص دهند که مشتریان را در حد امکان قادر سازند تا بدهیهایشان را بپردازند. در این قالب، تخصیص منابع به شکل غیربینه ای صورت می پذیرد و ملاحظاتی از قبیل بارآوری وام و ارزش آن از لحاظ تولیدات و اشتغال ایجاد شده در مرحله دوم اهمیت قرار می گیرد.

## راه حلهایی برای تقویت شبکه بانکی

وقتی بحران بانکی بروز می کند، اظهار نگرانی بقیه در صفحه ۱۶۸